

## آگاهی وجودی: تجربه بازاندیشی در دوره بحران کرونا

حسین افراسیابی\* ، مریم بهارلوئی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۸

### چکیده

بحران یکی از مهم‌ترین نیروهای بازاندیشی و عاملی برای تغییر در آگاهی و کنش انسانها و جوامع است. شیوع جهانی ویروس کووید ۱۹ (کرونا) منجر به بحرانی جهانی و چالش کشیدن بسیاری از باورها و پیش فرض‌ها و در نتیجه بازاندیشی در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی شده است. هدف ما در این پژوهش کیفی، کشف تجربه جوانان از بازاندیشی در شرایط ناشی از شیوع ویروس کرونا است. پژوهش را در رویکرد برساخت‌گرا و با روش تحقیق کیفی بنیانی اجرا کردیم. با روش نمونه‌گیری هدفمند (حداکثر تنوع و در دسترس) با تعداد ۲۴ نفر مشارکت‌کننده مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام دادیم. جهت تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش کدگذاری نظری استفاده شد. در فرایند تحلیل داده‌ها ۷ مقوله اصلی ساختیم که عبارتند از: مرکزیت سلامت، بازیابی خود، اقبال به علم و فناوری، گرایش به فضای مجازی، بازیابی تعاملات شخصی، دل‌بستن به خانه و ناامنی وجودی. با جمع‌بندی مقوله‌های اصلی، ارتقای آگاهی وجودی را به عنوان مقوله نهایی در نظر گرفتیم. براساس این مقوله‌ها، می‌توان گفت بحران شکل گرفته بر اثر پاندمی کرونا، ما انسانها را از نقاط ضعف مشترک آگاه‌تر کرد و تأمل و تجدیدنظر در خود و روابطمان را دامن زده است.

واژه‌های کلیدی: کرونا، ویروس کووید ۱۹، پاندمی، بازاندیشی، بحران

## مقدمه

بحران و تغییرات ناگهانی، یکی از عوامل تأمل و بازاندیشی انسان در مورد خود، زندگی روزمره، عادات و جهان پیرامون است. شیوع ویروس کرونا<sup>۱</sup> (کووید ۱۹) در ماه‌های اخیر، تحولاتی را ایجاد کرده و ما را وادار به بازاندیشی در جنبه‌های مهمی از زندگی کرده است. شیوع این ویروس و تبعات ناشی از آن، معیشت، عواطف، سبک زندگی و آینده میلیاردها انسان را تغییر داده است. ناشناختگی ویروس کرونا و تردیدها در راهبردها در کنار ممنوعیت تردد، قرنطینه خانگی و تعطیلات طولانی مدت، از یک سو سبب درهم ریختگی افکار، ایده‌ها، اندیشه‌ها و اعمال کنشگران و نهادهای اجتماعی شد. از سوی دیگر ماندن در خانه و داشتن وقت آزاد، فرصتی برای تأمل در مورد بسیاری از افکار، پیش فرض‌ها، انتظارات، کنش‌ها و نهادها شده است. بعبارت دقیق‌تر، در روزهای قرنطینه ناشی از شیوع ویروس کرونا، فرصتی برای بازاندیشی در مورد خود و جهانمان یافتیم.

بازاندیشی، قابلیت اجتماعی است که به فرد اجازه می‌دهد به عقب برگردد و هویت خود را دوباره در نظر آورد و درباره خود تأمل کند (Crossly, 2005: 2). این مفهوم در نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر و متأخر مورد توجه بسیاری از نظریه پردازان قرار گرفته است. گیدنز<sup>۲</sup> یکی از مشخصه‌های کلیدی جوامع جدید را بازاندیشی می‌داند. از نگاه او مدرنیته و دگرگونی‌های جهانی فقط مربوط به تغییرات بزرگ در نهادهای بزرگ نیست، بلکه این تغییرات، عواطف و زندگی خصوصی افراد را نیز در بر می‌گیرد (جلایی پور و گرامیان نیک، ۲۰۱۳: ۲۰). در جوامع پیشامدرن غالباً سنت، رفتار روزمره را هدایت می‌کرد. یعنی، مرجعیت اعمال پیشین، تعیین کننده رفتار بود. در حالی که در جوامع مدرن اعمال اجتماعی پیوسته در پرتو اطلاعات جدید مورد بازبینی قرار می‌گیرد (سیدمن، ۱۳۹۱: ۱۹۳).

- 
1. Coronavirus(COVID-19)
  2. Giddens

بازانديشی در زندگی اجتماعی مدرن در برگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی پیوسته بازسنجی و در پرتو اطلاعات تازه درباره خود، اصلاح و دگرگون می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴۶). برگر نیز معتقد است جامعه در حال تغییر و تحول، فرد را ناگزیر از بازانديشی و اتخاذ تصمیم‌های متنوع می‌سازد. بازانديشی نه تنها معطوف به جهان بیرونی است، بلکه وارد ذهنیت فرد می‌شود و طی فرآیند بازانديشی، جهان و خود فرد به موضوع آگاهی تبدیل می‌شوند (برگر و همکاران، ۱۳۸۱). به باور لانگمن، بازانديشی مردم را قادر می‌سازد تا به طور انفرادی یا به طور جمعی هویت‌های خود را تدقیق کنند (Longman, 2003).

تحولات ناگهانی و بحران‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه ساز بازانديشی هستند. شرایط فعلی مواجهه جهان با ویروسی ناشناخته و محدودیت‌های وضع شده، در کنار هجوم اطلاعات جدید، کنشگران اجتماعی را به تأمل و بازانديشی در کنش‌ها سوق داده است. آشکارترین مصداق بازانديشی را می‌توان در حوزه کنش‌های بهداشتی و مراقبتی افراد مشاهده کرد. بازانديشی پدیده‌ای است که در جامعه مدرن به کرات نام آن شنیده می‌شود و کنشگران و نهادهای اجتماعی به واسطه هجوم اطلاعات جدید همواره در معرض بازانديشی قرار دارند. در رابطه با بازانديشی مطالعات متعددی انجام شده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸؛ کیانی و نجفی، ۱۳۹۷؛ آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ افراسیابی و خرم پور، ۱۳۹۴؛ Anderson, et al., 2020؛ Armstrong, 2020) اغلب مطالعات به رابطه بازانديشی و هویت پرداخته‌اند. اما تمام این مطالعات بازانديشی را در شرایطی عادی مورد بررسی قرار داده‌اند.

از سوی دیگر، اغلب مطالعات در رابطه با کرونا با نگاه پزشکی کرونا را بررسی کرده‌اند و یا آسیب‌ها و تبعات آن را مورد توجه قرار داده‌اند و کم‌تر تحقیقی به پیامد مثبت کرونا و بازانديشی اتفاق افتاده پرداخته است. یکی از مهم‌ترین ابعاد مطالعات کیفی در موضوعات سلامت و پاندمی این است که این مطالعات دانش و تجربه عمومی پیرامون بیماری را سازماندهی و هم‌رسانی می‌کند. از این طریق دانش عمومی و

خودآگاهی ما پیرامون پاندمی را تقویت می‌کند. هدف ما در این پژوهش کشف و بازنمایی فهم و تجربه جوانان از بازانديشي در شرايط کرونای است. اینکه جوانان در شرايط انتشار کرونا، چه تجربه‌ای از بازانديشي دارند. در چه جنبه‌هایی از زندگی روزمره خود تأمل و تجديد نظر کردند؟ پیامدهای این بازانديشي برای آنها چیست؟

### چارچوب مفهومی

کرونا پدیده‌ای جدید و بازانديشي نیز عمدتاً به عنوان یک مفهوم نظری در جامعه جدید مورد توجه بوده است. از همین رو تحقیقات محدودی در مورد این دو مفهوم انجام شده است. به دلیل محدودیت تحقیقات در رابطه با بازانديشي در شرايط کرونا، پیشینه در دو مبحث تحقیقات مرتبط با بازانديشي و بحران کرونا مرور می‌شود. مطالعاتی که در رابطه با بازانديشي انجام گرفته‌اند: سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۸؛ (بازانديشي نقش‌های جنسیتی زنانه و تعیین کننده‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با آن، حسینی و همکاران، ۱۳۹۸؛ (رابطه چندگانه شدن زیست جهان‌های اجتماعی با بازانديشي هویت فرهنگی زنان و دختران)، کیانی و نجفی، ۱۳۹۷؛ (اعتماد اجتماعی و هویت اجتماعی؛ بازانديشي در هویت اجتماعی زنان تحصیلکرده مورد مطالعه دانشگاه تبریز)، آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ (فرایند برساخت هویت زنان در جریان طلاق: بازانديشي در تقدس خانواده و قبح طلاق)، افراسیابی و خرم پور، ۱۳۹۴؛ (بازانديشي اجتماعی در میان جوانان شهر یزد)، گرین وود و همکاران، ۲۰۱۹؛ (بازانديشي در بازارهای اعتباری)، و مطالعاتی که در رابطه با کرونا و با نگاه پزشکی انجام شده است (فرنوش و همکاران، ۱۳۹۹؛ توکلی و همکاران، ۱۳۹۶؛ Anderson et al., 2020؛ Zhu et al., 2020؛ Dong, et al., 2020؛ Dahly, et al., 2020؛ Armstrong, 2020؛ Mckibbin & Roshen, 2020؛ Wetter, et al., 2020).

یکی از نزدیکترین مطالعات به پژوهش ما، مطالعه‌ای کیفی است که در مورد نحوه روایت مردم از پاندمی آنفلوآنزای H1N1 سال ۲۰۰۹ میلادی توسط دیویس و لوهم

(۱۳۹۹) انجام شد. دیویس و لوهم در مطالعه خود روایت‌های اشخاص از ابتلا و نحوه کنار آمدن و آگاهی یافتن از پاندمی آنفلوانزا در شهرهای ملبورن، سیدنی و گلاسکو را بررسی و تحلیل کردند. در این مطالعه انتقادی مقولاتی همچون ارتباطات عمومی و رسانه‌ای در مورد پاندمی، تلقی افراد از آسیب پذیری، نحوه اطلاع رسانی رسانه‌های خبری، نوع نگاه افراد آسیب پذیر و اعتماد و پسا اعتماد در جریان پاندمی و بعد از آن را بازنمایی کردند. آن‌ها در نتیجه به اهمیت توجه به روایت‌های مردم از تجربه زیسته خود از پاندمی و حرکت به سمت نظام روایی سلامت تأکید دارند.

همانطور که در مقدمه گفتیم، اغلب تحقیقات انجام شده به بازانديشی و هویت پرداخته و تحقیقات مرتبط با کرونا نیز اغلب با نگاه پزشکی و بررسی پیامدهای روحی، اقتصادی، سیاسی و... انجام شده‌اند. ما قصد داریم با نگاهی جامعه شناختی و از زاویه دید خود کنشگران به بازانديشی در شرایط کرونا بپردازیم و کشف کنیم کنشگران اجتماعی در شرایط انتشار و شیوع گسترده ویروس کرونا چه بازانديشی‌ای انجام داده و چه پیامدهایی برای آنان در پی داشته است و بازانديشی بیشتر در چه حوزه‌هایی از زندگی روزمره آنها اتفاق افتاده است.

بازانديشی، تأمل و جامعه بازانديشانه، از جمله مفاهیمی است که در تحلیل مدرنیزاسیون بکار گرفته شده است. جامعه شناسان معاصر، آنتونی گیدنز (۱۹۹۴)، اسکات لش (۱۹۹۴) و اولریش بک (۱۳۸۸) به شیوه‌های متفاوتی به بحث بازانديشی پرداخته‌اند. بک در تحلیل خود از بازانديشی بین دو رویکرد متفاوت نسبت به آن سخن گفته است. در رویکرد اول که به گیدنز و لش مربوط می‌شود، بازانديشی و مدرنیزاسیون بازتابی به دانستن و تأمل در بنیادها، پیامدها و مسائل مدرنیزاسیون مربوط می‌شود. در رویکرد دوم که بک آن را طرح کرده است این مفهوم به پیامدهای ناخواسته مدرنیزاسیون ارتباط دارد (بک، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

منظور گیدنز از بازانديشی، حساسیت و تأثیرپذیری بیشتر حوزه‌های فعالیت اجتماعی و تجدید نظر مداوم در روش‌ها و نگرش‌ها بر اساس اطلاعات یا دانش نوین

است. این بازانديشي تابعي از تغييرات و جدائي زمان و فضا در دوره‌هاي تاريخي مختلف و جوامع گوناگون است. از نظر گيدنز، در فرهنگ‌هاي سنتي به گذشته بيشتر اشاره مي‌شد، و تکریم و احترام افزون‌تری در میان بوده است. بازانديشي، پيش از اين و در دوره سنت، به معنای شناخت کنش در دل زمينه‌اي بود که در آن بروز و ظهور پيدا مي‌کرد، اما بازانديشي در دوره مدرن، معنای ديگري يافته و مبنای بازتوليد نظام واقع شده است.

در زندگي اجتماعي مدرن، بازانديشي دربرگيرنده اين واقعيت است که عملکردهاي اجتماعي، پيوسته بازنسجي مي‌شوند و در پرتو اطلاعات تازه درباره خود آنها، اصلاح و دگرگون مي‌شوند و تنها در عصر مدرنيته است که تجديد نظر در همه جنبه‌هاي زندگي انسان صورت مي‌گيرد (کريمي منجرموني و فرهنگند، ۱۳۹۶:۷). گيدنز بر اين عقیده است که با کاهش نفوذ سنت و بازسازي زندگي روزمره بر حسب عوامل جهاني و محلي، افراد ناچارند شيوه‌هاي زندگي خود را از ميان گزینه‌هاي مختلف برگزينند. در اين ميان، اگر چه عوامل يکسان ساز و استاندارد کننده هم وجود دارد، اما به دليل "بازبودن" زندگي اجتماعي امروزي و همچنين تکثيريابي زمينه‌هاي عمل و تنوع "مراجع"، انتخاب شيوه زندگي بيش از پيش در ساخت هويت و فعاليت روزمره اهميت مي‌يابد.

به اعتقاد وي، در جوامع معاصر که تکثرگرا، متنوع و در حال تغييرند و همه چيز مورد مذاقه قرار مي‌گيرد، "خود" نيز به پروژه‌اي بازانديشانه تبديل مي‌شود. گيدنز به خود خودسازنده، اولويت زيادي مي‌دهد؛ پروژه‌اي که از آن طريق، "خود" در سطح فرد، بازانديشانه و تغييردهنده مي‌شود. گيدنز بازانديشي در مورد "خود" را فرآيندي مداوم و فراگير مي‌داند که طی آن، فرد در فواصل زماني منظم، بر حسب اتفاقاتي که افتاده، به نوعی بازپرسی از خود می‌پردازد (گيدنز، ۱۳۸۷:۲۰). وی معتقد است که ساخت خود، طرح بازانديشانه‌اي است که بخش اساسي مدرنيته را مي‌سازد. در اينجا فرد از ميان گزینه‌هايي که نظام انتزاعي فراهم مي‌کند، بايد هويت خود را پيدا کند. فرد

به کمک تکنیکهای گوناگون، فرصت‌های متنوعی برای توسعه شخصیت خود فراهم می‌نماید. تجربیات تازه و متنوع، زمینه را برای تنوع روش‌های عمل فراهم می‌کنند. چنین شرایطی، زمینه را برای بریدن از الگوهای رفتاری جاف‌آماده آماده می‌کند که این امر ممکن است خطراتی هم در پی داشته باشد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۱۵).

الریش بک<sup>۱</sup> فرآیند بازانديشی و جامعه بازانديشانه را با مفهوم مخاطره توضیح می‌دهد. وی تحولات اجتماعی را به سه دوره تقسیم بندی می‌کند: اول دوره ماقبل مدرن، سپس دوره مدرنیته ساده و نهایتاً مدرنیته بازانديشانه. مدرنیته ساده با جامعه صنعتی و مدرنیته بازانديشانه با جامعه مخاطره‌آمیز هم‌خوانی دارد. بک معتقد است در دوران جدید، افراد، فارغ از ساختارها، به طور بازانديشانه بیوگرافی و هویت خود را می‌سازند (افراسیابی و خرم پور، ۱۳۹۳: ۱۰). از نظر بک، گفتمان مخاطره در جایی بوجود می‌آید که اعتماد ما به امنیت خود، پایان می‌یابد. مخاطره نشان دهنده وضعیت حدوسط میان امنیت و تخریب است. رسانه‌های الکترونیکی در پدیدارسازی و مرئی سازی مخاطرات نقش محوری دارند. واقعی شدن مخاطره جنون گاوی، با رسانه‌ای شدن آن ارتباط دارد (بک، ۱۳۸۸: ۲۰۹). از این رو دسترسی به دانش و آگاهی، خطر یک میکروب خاص را به مخاطره بیماری تبدیل می‌کند.

از نظر بک هر جا که باور کنند مخاطرات واقعی‌اند، بنیادهای تجارت، سیاست، علم و زندگی روزمره معلق می‌شود. مفهوم مخاطره، رابطه گذشته، حال و آینده را معکوس می‌کند و گذشته توان خود برای تبیین حال را از دست می‌دهد. از نظر بک، مخاطرات، در مرحله اولیه خود پیامدهای ناخواسته منطبق کنترلی هستند که بر مدرنیته سایه می‌فکند. ایجاد امنیت و کنترل از آن نوعی که بر اندیشه اجتماعی و کنش سیاسی در دوره اول مدرنیته سلطه یافت، در جامعه مخاطره جهانی به افسانه تبدیل می‌شود. تا حدی که طبیعت صنعتی می‌شود و سنت‌ها اختیاری می‌شود، انواع جدید عدم

قطعیت‌ها پدیدار می‌شوند که بک و گیدنز آن‌ها را عدم قطعیت‌های بشرساخته می‌نامند. در نگاه بک، مفهوم مخاطره به ترکیب خاصی از دانش و آگاهی اشاره دارد. از یک طرف دانش بیشتر و بهتر به منبع مخاطرات جدید تبدیل می‌شود، چون ما بیشتر و بیشتر درباره بیماری‌ها و کارکردهای زیستی خود آگاهی می‌یابیم. مثلاً اینکه می‌دانیم فردی که دچار مرگ مغزی شده، سایر اندامش زنده می‌ماند می‌تواند ما را نگران‌تر کند. از سوی دیگر مخاطره حاصل ناآگاهی و فقدان دانش است.

از نظر بک انواع جدید مخاطره، همزمان محلی و جهانی یا جهان محلی<sup>۱</sup> هستند (بک، ۱۳۸۸: ۲۱۶). در این شرایط، به ندرت می‌توان زیانها را به مرتکب شوندگان معین نسبت داد. دیگر نمی‌توان به صورت مالی جبران کرد (بیمه کردن خود در برابر پیامدهای بدترین گردباد جهانی بی‌معناست). بک از مفاهیمی همچون بی‌مسئولیتی سازمان یافته (هیچ فرد یا سازمانی به طور مشخص برای هرکاری مسئول شناخته نمی‌شود) و بازی قدرت در تعریف مخاطره سخن می‌گوید. بک معتقد است در جامعه مخاطره منطبق کنترل از بنیاد نه فقط از منظری جامعه‌شناختی، بلکه به واسطه خود مدرنیزاسیون پیوسته زیر سؤال می‌رود. در این شرایط عوامل و کنشگران مختلف در تعارض قرار می‌گیرند.

مخاطرات در عین حالی که واقعی هستند، با تصور و برساختن اجتماعی بنانهاده می‌شوند. واقعی بودن آنها ریشه در رویه‌های پژوهش و تولید علمی و صنعتی دارد. در عین حال، داشتن دانشی از مخاطرات، به تاریخ و نمادهای فرهنگی و فرآورده اجتماعی دانش پیوند خورده است. این یکی از دلایلی است که نشان می‌دهد چرا مخاطره‌ای واحد به صورت متفاوت در بخش‌های مختلف جهان درک و با آن برخورد می‌شود. بک در تشریح جامعه مخاطره نگاهی خوشبینانه به آینده دارد. از نظر وی در شرایط مدرنیزاسیون بازانديشانه، سرانجام نهادها شروع به تغییر می‌کنند و قفس مدرنیته باز می‌شود (بک، ۱۳۸۸: ۲۲۳).



بازانديشی بخشی جدایی ناپذیر از جوامع مدرن است و افراد در هنگام هجوم اطلاعات و حوادث جدید، شروع به ارزیابی، تجدید نظر و بازانديشی در اطلاعات پیشین خود می‌کنند. کرونا نیز با قرار دادن کنشگران در پرتو اطلاعات تازه از بحران‌های ناشناخته، سبب بازانديشی در جهان زندگی روزمره، عادت‌ها و رویه‌ها شده است.

### روش تحقیق

کشف معنای ذهنی کنشگران پیرامون پدیده و دستیابی به فهم و تفسیر آنها از جهان زندگی روزمره، در چارچوب رویکرد تفسیری جای می‌گیرد. از این رو برای دستیابی به فهم و تفسیر جوانان از بازانديشی در شرایط کرونا، از رویکرد تفسیری-کیفی استفاده کردیم. برای اجرا، نیز روش تحقیق کیفی بنیانی<sup>۱</sup> (Percy et al., 2015; Merriam, ) را به کار گرفتیم. این روش که در واقع ورای روش‌های تحقیق کیفی شناخته شده همچون مردم‌نگاری، پدیدارشناسی، روایت پژوهی و گراندتئوری است، با ترکیب تکنیک‌های مختلف موجود در راهبردهای تحقیق کیفی، با هدف کشف معنای پدیده توسط افرادی است که پدیده را تجربه کرده‌اند.

برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته استفاده کردیم. به دلیل شرایط حاکم بر جامعه بر اثر شیوع ویروس کرونا امکان مصاحبه حضوری وجود نداشت و مصاحبه‌ها را به صورت مجازی انجام دادیم. به این شکل که سؤالات تحقیق عمدتاً قبل از شروع مصاحبه مشخص بود و تلاش شد در قالب گفتگویی با مشارکت کنندگان مطرح شود. از جمله سوالاتی که در مصاحبه پرسیدیم عبارتند از: در روزهای بحران کرونا به چه چیزهایی فکر کردید؟ با چه نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی مواجه شدید؟ پیامدهای تفکر و تأمل در زندگی برای شما چه بوده است؟ هر مصاحبه با توجه به

شرایط و حوصله و علاقه مشارکت‌کننده به مشارکت بین یک تا دو ساعت به طول انجامید. نمونه‌گیری مبتنی بر نمونه‌گیری هدفمند و از نوع حداکثر تنوع و در دسترس است. نمونه‌گیری و انجام مصاحبه را تا جایی ادامه دادیم که متوجه شدیم مفهوم جدیدی قابل شکل‌گیری نیست و اظهارات عمدتاً تکرار یافته‌های پیشین بود. در نتیجه نمونه با تعداد ۲۴ مشارکت‌کننده به اشباع رسید.

در مطالعات کیفی عمدتاً جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به طور هم‌زمان انجام می‌شود (گلنزر و اشتروس، ۱۹۶۷). در پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک کدگذاری نظری، داده‌ها تجزیه و تحلیل شدند. ابتدا داده‌های حاصل از مصاحبه را خط به خط خواندیم و مفاهیم اولیه را ساختیم. مفاهیم (کدهای) تکرار شونده شناسایی شد و سپس در مرحله توسعه مقوله‌ها با توجه به کدهای تکرار شونده، کل اطلاعات مجدداً پردازش شد. سپس کدبندی متمرکز را اجرا کردیم. در این مرحله مفاهیم مشابه در یکدیگر تلفیق شد. در پایان فرایند کدگذاری ۷ مقوله اصلی و یک مقوله نهایی از داده‌ها استخراج شد.

برای اطمینان از قابلیت اعتماد<sup>۱</sup> در این پژوهش از چندین روش استفاده شد. ابتدا در هنگام مصاحبه، به کلیه جزئیات پیرامون لحن بیان و تمام نکات توجه دقیق به عمل آمد و سپس بعد از اتمام مصاحبه‌ها و انجام کدگذاری و پایان یافتن تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کنترل توسط اعضاء و هم‌تایان علمی و خبره استفاده کردیم. از تعدادی از مشارکت‌کنندگان خواستیم یافته‌ها و مقولات نهایی را مطالعه و ارزیابی کنند و در کنار آن، دو نفر از متخصصین این حوزه نیز کدها و مقوله‌ها را مطالعه کرده و صحت آن‌ها را بررسی و تأیید کردند. قبل از شروع مصاحبه، هدف پژوهش به طور کامل برای مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد. به منظور مراقبت از حریم شخصی افراد مشارکت‌کننده در مطالعه، تمام مصاحبه‌ها تنها در اختیار نویسندگان قرار دارد و هیچ‌گونه

اطلاعات شخصی از مشارکت کنندگان درج نمی‌شود. اسامی ذکر شده در بخش یافته‌ها نیز اسامی مستعار هستند.

### یافته‌ها

داده‌های به دست آمده از طریق مصاحبه را با تکنیک کدگذاری نظری تحلیل و در قالب ۷ مقوله اصلی دسته بندی کردیم. مقوله های اصلی برساخته در این مطالعه که در ادامه توضیح داده شده است، عبارتند از: تمرکز بر سلامت، بازیابی خود، اقبال به علم و فناوری، گرایش به فضای مجازی، بازیابی تعاملات شخصی، دلبستگی به خانه و ناامنی وجودی.

جدول ۱- مفاهیم و مقولات مستخرج از مصاحبه‌ها

مقوله	مفاهیم
تمرکز بر سلامت	توجه بیشتر به بهداشت، افزایش آگاهی پزشکی، وسواس در نظافت، دنبال کردن اطلاعات پزشکی، بالا رفتن سطح احتیاط، برجسته شدن نقش بهداشت، سختگیری در رعایت بهداشت، جدیت در شست و شو، پرهیز از ویروس، حفظ فاصله
بازیابی خود	توجه به خود، شناخت بیشتر، در خود فرو رفتن، آگاهی فردی، توجه به نقاط قوت، اصلاح نقاط منفی، برنامه ریزی نو، طرح اهداف تازه، تمرکز بر خود، وقت گذاشتن برای خود، تأمل بیشتر، تعریف خواسته‌های متناسب با شرایط، مطالعه کتاب‌های خودشناسی، منظم کردن افکار
اقبال به علم و فناوری	برجسته شدن توان علم، توجه بیشتر به دانش، روی آوردن به دانش علمی، توقع از علم، نیازمند علم، اهمیت جامعه پزشکی، شناخت نقش کادر درمانی، احترام به جامعه علمی، نیاز به پیشرفت علمی، اهمیت تجارب علمی، رشد مهارت‌های علمی، باور به علم، اهمیت فناوری، برجسته شدن نقش فناوری
گرایش به فضای مجازی	افزایش مهارت مجازی، آشنایی با دانش مجازی، آشنایی با نرم افزارهای جدید، استفاده از اپلیکیشن ها، استفاده از وب، یادگیری کاربردهای مجازی، دنبال کردن آموزش مجازی، ثبت نام در کلاس مجازی، دیدارهای مجازی، دوستان مجازی، روابط مجازی

بازیابی تعاملات شخصی	توجه به روابط، افزایش تعلقات خانوادگی، اهمیت بیشتر به دوست داشتن‌ها، حفظ صمیمیت، مراقبت بیشتر از روابط، از خود گذشتگی بیشتر، بهانه جویی کم‌تر، قنطاری، ساختن خاطره، قدرشناسی از عزیزان، ابراز عشق، لجاجت کم‌تر، بخشش آسوده‌تر، لذت از بودن اطرافیان
دلبستگی به خانه	پناه آوردن به خانه، علاقه مند شدن به خانه، خانه به عنوان سپر بلا، خانه تنها مأمن، دوست داشتنی شدن خانه، سنگر بودن خانه، قدرشناسی از خانه، آرامش در خانه، آسایش خانه، احساس امنیت در خانه، عشق ورزیدن به خانه، بازگشت به خانه
نامنی وجودی	از بین رفتن ثبات، عدم کارایی قوانین پیشین، معلق بودن، ناپایداری دنیا، دنیای پوچ، ارزش نداشتن ناراحتی، نزدیک بودن مرگ، احتمال مرگ عزیزان، حس کردن مرگ، کوتاهی عمر، پیش بینی ناپذیری زندگی، نگرانی، اضطراب، تردید، دلهره

#### تمرکز بر سلامت (مرکزیت سلامت)

هشدارهای پزشکی، خبرهای متعدد رسانه‌ها و اطلاع رسانی سازمان‌های مقابله با پاندمی کرونا در رابطه با رعایت بهداشت فردی سبب توجه مضاعف و دقت کنشگران به مراقبت‌های بهداشتی شد. سیما می‌گوید "من تازه فهمیدم چقدر باید بهداشت و رعایت کنم". بنابر اظهار اغلب مشارکت‌کنندگان، شیوع ویروس کووید ۱۹ باعث جدیت در رعایت بهداشت نزد آنها شده و بهداشت را در اولویت زندگی قرار داده است. نیما می‌گوید "الان اولین کاری که می‌کنم آینه که همیشه حواسم به بهداشت فریدم هست". شست و شوی مداوم دست‌ها، ضدعفونی کردن اقلام خریداری شده، استفاده از ماسک و دستکش، عدم لمس صورت و افزایش اطلاعات بهداشتی مفهیمی هستند که تمام مشارکت‌کنندگان به دفعات به آنها اشاره کردند. سمیه در این رابطه می‌گوید "قبل از کرونا نمیدونستم چقدر شست و شوی دست اهمیت داره و الان خوب این و درک می‌کنم". قرار گرفتن کنشگران در شرایط بحران کرونا و تأکید مداوم پزشکان بر رعایت بهداشت در جهت پیشگیری از مبتلا شدن به این ویروس باعث

نفوذ بهداشت در ذهن کنشگران و پیاده کردن آن در اعمال و کنش‌هایشان شده است. سولماز (۳۳ ساله، متأهل و دارای تحصیلات کاشناسی):

«من قبل از کرونا بهداشت و رعایت می‌کردم ولی نه با این جدیت و سختگیری، الان می‌فهمم شاید خیلی از مریضی‌هایی که خودم یا بچه هام می‌گرفتن بخاطر عدم دقت در رعایت بهداشت بود. بعد از کرونا خیلی به بهداشت خودم و همه خانواده اهمیت میدم و جدی دنبال می‌کنم و حواسم هست».

لزوم توجه به بهداشت و اهمیت شست و شوی مداوم جهت پیشگیری از مبتلا شدن به کرونا کنشگران را به سمت مراقبت‌های بهداشتی و توجه بیشتر به امنیت خویش با تکیه بر رعایت اصول بهداشتی سوق داده است. نوید (۳۷ ساله، متأهل و دارای تحصیلات کارشناسی):

«من وسواس پیدا کردم به شست و شوی دست و موارد بهداشتی، الان هر کسی میاد خونه ما حتی خواهرم اول قانون گذاشتم دستاشون و باید بشورن بعد بیان بشینن ولی قبلاً نمیدونستم اینقدر مهمه و اهمیت نمی‌دادم، اگر کسی میومد خونه ما بخواد بره دست بشوره ولی الان کاملاً به این قضیه اهمیت میدم و خوب متوجه شدم بهداشت واقعاً توی خیلی از بیماری‌های ویروسی رعایتش ضروریه و باعث پیشگیری می‌شه».

در اثر شیوع جهانی کرونا و تهدید جدی این بیماری برای سلامتی شهروندان، سلامت و بهداشت در این روزها تبدیل به دال مرکزی زندگی انسان‌ها شده است. همه در مورد سلامت حرف می‌زنند، لوازم بهداشتی مثل ماسک و دستکش و مواد شوینده، در فروشگاه‌ها غالب شده و دغدغه اول همه ما شده است. اخطارهای جهانی پزشکان و اطلاع رسانی شبانه روزی رسانه‌ها جهت پیشگیری از مبتلا شدن به ویروس کرونا، مفهوم "سلامت" و رعایت بهداشت را به مرکز زندگی و تعاملات روزمره ما آورده است.

## بازیابی خود

در جامعه مدرن با پیچیدگی‌ها و مشکلات وافر آن کنشگران اجتماعی به سختی فرصتی جهت رویارویی با خود پیدا می‌کنند. اغلب مشارکت‌کنندگان بیان داشتند در بحران کرونا به دلیل قرنطینه و تعطیلی طولانی، فرصت یافتند تا در مورد خویش تدبیر کنند و خودشان را مرور کنند، مورد ارزیابی و تجدید نظر قرار دهند. صادق، یکی از مشارکت‌کنندگان که دونفر از اطرافیانش درگیر ویروس کووید ۱۹ شده، در مورد پرداختن به خودش در روزهای اخیر می‌گوید:

«مهم‌ترین اتفاق و فکر من معطوف به خودم شد تو این شرایط، اینکه دقیقاً کی هستم و باید چی کار کنم».  
ندا (دختر، ۳۸ ساله):  
«من تازه متوجه خودم شدم انگار تا الان خودم و فراموش کرده بودم و یادم رفته بودم خودمم هستم».

اغلب مشارکت‌کنندگان اشاره می‌کردند که توجه به خود را در برنامه‌های روزمره خود قرار داده و تلاش کرده‌اند تا نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی کرده و در پی تقویت آن‌ها گام بردارند. برخی اهداف جدیدی برای خود طراحی کرده و مسیر جدیدی را در پیش روی خود ترسیم کرده و قصد دنبال کردن آن را دارند. شیوا که دانشجوی دکتری شیمی است می‌گوید:

«هر چند من تعطیل نبودم این مدت و سرکار بودم ولی باز هم کرونا باعث شد احساس کنم زندگی کوتاه و من باید به خودمم توجه کنم و برای خودم وقت بذارم».  
توجه به خود، شناخت بیشتر، در خود فرو رفتن، آگاهی فردی، افزایش مهارت‌های فردی، توجه به نقاط قوت، تقویت نقاط منفی، برنامه ریزی‌های نو، طراحی اهداف جدید، تمرکز بر خود، وقت گذاشتن برای خود، تدبیر درباره خود، تأمل بیشتر مفاهیمی هستند که اغلب مشارکت‌کنندگان در گفت و گوهای خود و در طی مصاحبه‌ها به آن‌ها اشاره کرده و نام بردند. بنابر اظهارات مشارکت‌کنندگان بحران

کرونا به دنبال تبعات خود فرصتی را جهت یادآوری توجه به خود خویش و سازماندهی خود فراهم کرده است.

سپهر (۳۱ ساله، کارشناسی ارشد و متأهل):

«توی این مدت من دو ماه جلسات و کارهام مجازی دنبال می‌شد و تازه وقت پیدا کرده بودم به خودم توجه کنم و از خودم مراقبت کنم، همیشه حواسم فقط به کار بود وقتی برای خودم نداشتم ولی تو این مدت خودم و پیدا کردم و با خودم خلوت کردم به اشباهاتم فکر کردم و روند زندگیم و مرور کردم کجاها درست رفتم و کجاها غلط و باید برای ادامه چی کار کنم».

ستاره (۲۷ ساله، دارای تحصیلات کارشناسی و مجرد):

«من تو این مدت کلی کتاب‌های خودشناسی خوندم در مورد رفتارام و انتخاب هام فکر کردم توی کلاس‌های مجازی خیلی شرکت کردم و واقعاً زمان خیلی زیادی و به خودم اختصاص دادم تا بتونم مهارت‌های فردی و فکری خودم و تقویت کنم».

ساعت‌های طولانی ماندن در خانه باعث تفکر و تعمق کنشگران در رابطه با خود شده است و همین رویارویی با خود شرایط تقویت نقاط ضعف افراد را فراهم کرده و ارتقاء مهارت‌های گوناگون و شناسایی علایق و استعدادهایی که تاکنون مشغله‌های بیرون از خانه اجازه شکوفا شدن آن‌ها را نمی‌دادند، را فراهم کرده است.

### اقبال به علم و فناوری

علم از دیرباز راه حل بسیاری از نگرانی‌های بشر را برای بقاء فراهم کرده است. بحران کرونا باری دیگر قدرت علم و نیاز بشر به علم را یادآوری کرد. این روزها چشم امید اغلب انسان‌ها و کشورها به این است که علم و فناوری به پیشگیری و کنترل بیماری کرونا کمک کند. واکسن یا درمان کرونا ساخته شود و یا وسایل پیشگیری تولید شود. بخشی از این اقدامات و امید و اعتماد به علم در فعالیت شرکت‌های دانش بنیان در ایران و جهان پیدا شد. در این باره حسین می‌گوید:

«این چند وقت همش با خودم فکر می‌کنم بشر چقدر به علم محتاجه».

توجه به تلاش‌های محققان و دانشمندان و اهمیت نقش جامعه پزشکی در جهت کاهش مخاطرات زیست بشر سبب احترام و قدردانی از علم و جامعه علمی نزد مردم شده است. شیرین که خود استاد دانشگاه است در این باره می‌گوید:

«مجدداً به خود من یادآوری شد چقدر علم و دانش برای حیات بشر ضروریه و ما چقدر بهش احتیاج داریم».

بحران کرونا در کنار مرگ و میرهای ناشی از آن احترام، منزلت، قدرت و ضرورت علم و جامعه علمی را برای کنشگران اجتماعی آشکار ساخت. مریم (۴۰) ساله، کارشناسی ارشد و متأهل) می‌گوید:

«علم علم علم، به نظر من با قطعیت میشه گفت کرونا به همه ثابت کرد علم چقدر نقشش توی زندگی آدم‌ها مهمه و ما چقدر به علم و پزشکا و دانشمندا مدیون هستیم، تازه متوجه شدم زندگی بدون علم ممکن نیست چون دنیای مدرن در واقع جامعه امروز پر از اتفاقات ناشناخته‌س و ما به قدرت علم نیاز داریم»

نیاز کنشگران اجتماعی به پیشرفت علم و دانش و ضرورت وجود علم در زندگی کنشگران اجتماعی پیامدی است که بحران کرونا ایجاد کرده است و سبب تغییر نگاه کنشگران به علم و دانش و تلقی و برداشت مثبت از علم را نزد آنان داشته است. ارسال (۲۸) ساله، کارشناسی و مجرد) می‌گوید:

«من همیشه می‌گفتم اینا اخه چیکار می‌کنن الکی همه چی و بزرگ می‌کنن ولی الان فهمیدم واقعاً علم و کشف اون خیلی چیز بزرگیه، چون زندگی ماها رو نجات میده اگر علم نبود الان تک تک ماها ممکن بود عزیزامون و از دست بدیم ولی الان خود من و اطرافیانم همه امیدمون به همین علمه تا واکسن کرونا رو کشف کنن تا مرگ و میر و کاهش بدن».

در بحران کرونا بخش زیادی از امید مردم به علم و کشف داروی درمان کرونا، جلوگیری از مرگ عزیزان و کشف واکسن آن است. کرونا باعث شد مردم به علم اقبال پیدا کرده و دست به دامن یافته‌های علمی برای درمان خود و کاهش پیامدهای منفی حاصل از آن شود.



### گرایش به فضای مجازی

رسانه و فضای مجازی از مهمترین بسترهای ارتباطی در دوره هراس و سرگردانی ناشی از پاندمی است. فضای مجازی سبب راحتی ارتباطات و در دسترس بودن انواع اطلاعات و گاهی نیز سبب سرگرمی کنشگران اجتماعی در شرایط پاندمی می‌شود. راه اندازی شبکه‌های آموزش مجازی، راه‌های ارتباطی مجازی و استفاده از شبکه‌های مجازی سبب شد تا بسیاری از برنامه‌های آموزشی، جلسات و دیدارها و ارتباطات به صورت مجازی دنبال شود. در رابطه با دیدار مجازی ریحانه می‌گوید:

«من حتی تمام دوستانم و فامیلام و از طریق فضای مجازی و همون واتس آپ می‌بینم و خیلی‌ام خوبه و واقعاً دلتنگی و رفع می‌کنه».

به عبارتی می‌توان گفت یکی دیگر از پیامدهای کرونا که سبب ارزیابی و تجدید نظر کنشگران و نهادهای مختلف در نحوه ارتباطات آنها شده است تکیه بر فضای مجازی و روی آوردن به فضای مجازی در جهت استفاده از انواع آموزش، کسب اطلاعات، برقراری تماس و تعاملات می‌باشد. معصومه (۴۰ ساله، دیپلم و متأهل) می‌گوید:

«من خیلی نگران درس دخترم بودم ولی آموزش مجازی واقعاً خیالم و راحت کرد خیلی خوب از طریق واتس آپ و شبکه شادی که خود آموزش و پرورش ایجاد کرد آموزش بچه‌ها ادامه پیدا کرد و عقب نیفتادن همش نگران بودم امسال چی میشه و مجبور نشن بیفتن یه سال عقب فضای مجازی خیلی تونست کمک کنه».

جایگزین کردن استفاده از فضای مجازی در برقراری ارتباطات و دنبال کردن آموزش‌ها بسیاری از نگرانی‌های کنشگران اجتماعی را کاهش داده است و در شرایطی که اوضاع روحی مانند سابق نیست مانند مرحمی بر روی زخم عمل می‌کند. نوید (۲۶ ساله، کارشناسی و مجرد) می‌گوید:

«پیشرفت فناوری و تکنولوژی خیلی مفید بوده الان که کرونا باعث شد همه جا تعطیل بشه کلاس‌های دانشگاه برادرم از طریق فضای مجازی برگزار میشه و خود من

توی کلاس‌های آنلاین زبان ثبت نام کردم و شرکت می‌کنم خیلی‌ام خوب و مفید و واقعاً برام خوب بوده».

رشد روز افزون فناوری و پیشرفت چشمگیر تکنولوژی سختی زندگی در شرایط کرونا را برای کنشگران اجتماعی و نهادهای مختلف کاهش داده و برخی از پیامدها را با حداقل صدمات جبران کرده است.

### بازیابی تعاملات شخصی

در پی به وجود آمدن بحران کرونا و مرگ و میرهای ناشی از آن اغلب کنشگران اجتماعی در بهت و حیرت فرو رفتند. در سوگ نشستن افرادی که عزیزان خود را در پی مبتلا شدن به این ویروس از دست داده بودند و اعلام قرنطینه از سوی دولت کنشگران اجتماعی دچار واگم و ترس از دست دادن عزیزانشان شدند. فریده می‌گوید: "من تمام مدت نگرانم نکنه برای مامان و بابام اتفاقی بیفته". نگرانی و دلواپسی کنشگران نسبت به خانواده در پی شیوع ویروس کرونا باعث بهبود روابط و تعاملات خانوادگی شده است. بنابر اظهارات مشارکت‌کنندگان بحران کرونا باعث شد تا افراد قدر یکدیگر را بیشتر بدانند و زمان بیشتری را برای بودن با یکدیگر و در کنار خانواده بودن اختصاص دهند. بحران کرونا در بسیاری از مشارکت‌کنندگان سبب افزایش صمیمت اعضای خانواده با یکدیگر شده است. ترس از دست دادن عزیزان باعث افزایش و بهبود کیفیت روابط در میان کنشگران اجتماعی شده است. نسرین (۴۷ ساله، دیپلم و متأهل) می‌گوید:

«اطراف ما چند تا از آشناهای دورمون کرونا گرفتن و دوتاشون فوت کردن خیلی من ناراحت شدم ترس از اینکه مبادا فردا نباشم و نتونم دیگه کنار خانواده م باشم باعث شده خیلی کنارشون وقت بگذرونم و رفتارام و بهتر کنم غر زدنم و کم‌تر کردم قدرشون و خیلی بیشتر از قبل فهمیدم».

بحران کرونا باعث ایجاد دلگرمی و صمیمیت بیشتر در میان اعضای خانواده و همچنین ابراز محبت و علاقه بیشتر در میان آنان شده است و کنشگران اجتماعی قدر داشته‌های خود را بیشتر دانسته و سعی می‌کنند تا روابط خود را بهبود ببخشند. نیلوفر (۳۶ ساله، کارشناسی و متأهل) می‌گوید:

«الان می‌فهمم چقدر این دنیا بی ارزش و آدم تنها چیزی که باید بهش اهمیت بده عزیزانش هستن، من به خودم قول دادم و دارم انجام میدم که خیلی بیشتر به کسانی که دوستشون دارم خانواده م اهمیت بدم توجه کنم و بهشون بگم که چقدر عاشقشونم و ازشون بخاطر بودنشون ممنونم».

ناشناخته بودن ویروس کرونا و مرگ و میرهای ناشی از آن، انتشار حوادث تلخ از دست دادن عزیزان و عدم پیش‌بینی برای آینده زمینه بازانديشی در روابط و تعاملات کنشگران اجتماعی را فراهم کرده است و نتیجه‌ای که این شرایط و بازانديشی برای کنشگران در پی داشته است بهبود کیفیت روابط آنان می‌باشد. بحران کرونا باعث بهبود روابط و دقت و توجه در رفتارها و اعمال کنشگران اجتماعی شده است. نگرانی از مبتلا شدن به این ویروس و غیرقابل پیش‌بینی بودن درمان و مداوای آن به گونه مؤثری نگرش‌ها و رفتارهای کنشگران را ترمیم و بهبود بخشیده است.

#### دل‌بستن به خانه

مشغله کاری، تلاش شبانه روزی برای تأمین مایحتاج زندگی، سرگرم شدن در رسانه‌ها و فضای مجازی باعث شده افراد خانواده بیش از پیش از همدیگر دور شوند و جایگاه خانه در مقایسه با گذشته کمرنگ شده است. این شرایط سبب شده تا کمتر به خانه فکر کنیم و کمتر در خانه همدیگر را ببینیم. شیوع کووید ۱۹ تلنگری به همه ما برای بازگشت به خانه بود. شوک بازگشت و ماندن در خانه تجربه روزهای ابتدایی شیوع ویروس تجربه مشترک همه ما بود. اغلب مشارکت کنندگان وجود کرونا و احساس عدم امنیت در بیرون از خانه به دلیل شیوع کرونا را فرصتی می‌دانند که اسباب

انس با خانه را برای آن‌ها ایجاد کرده است. کسب امنیت به واسطه پناه بردن به خانه در شرایط بحران کرونا باعث شده است تا خانه به پناهگاه مشارکت‌کننده تبدیل شود. خدیجه (۴۰ ساله، کارشناسی ارشد و متأهل):

«ما قبل از کرونا عادت داشتیم هر روز عصر می‌رفتیم بیرون همیشه شام و بیرون می‌خوردیم از اینکه تو خونه باشیم بدمون می‌ومد انگار خونه فقط برامون یه جور خوابگاه بود ولی بعد از کرونا که مجبور شدیم خونه بمونیم تازه احساس کردم خونمون و شناختم احساس خوشایندی بهش پیدا کردم واقعاً فهمیدم خونه فقط یه خوابگاه نیست بلکه تموم امنیت و آسایش توی همون خونه آدم خلاصه میشه».

قرنطینه در پی شیوع گسترده ویروس کرونا باعث شد تا کنشگران امنیت و آسایش را در زیر سایه خانه‌های خود جستجو کنند و احساس تعلق خاطر به خانه‌های خود پیدا کنند.

نازی (۳۶ ساله، کارشناسی و متأهل):

«قرنطینه باعث شد تو خونه آدم حبس بشه ولی کم کم احساس کردم چقدر تو خونه موندن خوبه آدم کم‌تر نگران میشه کم‌تر استرس داره و بیشتر می‌تونم به خودت و خانواده‌ت توجه کنی، سعی کردیم سرگرمی‌هایی پیدا کنیم تا توی خونه با هم انجام بدیم و اینجوری خیلی فراغت خوبی داشتیم و خونه و قرنطینه دیگه برامون حبس نبود فقط یه نوع فراغت جدید بود».

فردگرایی حاصل از جامعه مدرن، افزایش توقعات، گرانی و تورم، سبک زندگی متفاوت همه و همه از دلایلی هستند که اسباب ساعات طولانی بیرون از خانه ماندن را به بار آورده‌اند. برای برخی از خانواده‌ها خانه تنها خوابگاهی است که در آن شب را به صبح می‌رسانند. حال بحران کرونا و تعطیلی‌های گسترده آن معنا و مفهوم خانه را آشکار ساخت و باعث شکل‌گیری نگرش جدیدی نسبت به خانه و یافتن احساس تعلق خاطر به خانه شده است.

## نامنی وجودی

"هشیار باش، اما نترس" پیامی است که رسانه‌ها و نهادهای متولی سلامت تلاش می‌کنند در دوره پاندمی به جامعه مخابره کنند. اما این پیام همیشه و از سوی همه به یکسان دریافت نمی‌شود. بخش مهمی از بازاندیشی ناشی از کرونا، حاصل احساس عدم امنیتی است که ما در این روزها پیدا کرده‌ایم. زندگی و مرگ بسیار به هم نزدیک شده و هر لحظه ممکن است درگیر بیماری شویم که پایانش مشخص نیست. شنیدن خبر مرگ و ابتلا به این ویروس، افراد را درگیر نوعی احساس ترس و دلهره ناشی از کوتاه بودن عمر و غیرقابل پیش بینی بودن زندگی کرده است.

سیما با تأکید بر کوتاه بودن عمر انسان می‌گوید:

«کرونا نشون داد زندگی خیلی کوتاهه و اصلاً معلوم نیست تا کی زنده‌ایم».

مفاهیم از بین رفتن ثبات، عدم کارایی قوانین پیشین، معلق بودن، ناپایداری دنیا، دنیای پوچ، بی ارزش بودن غصه، ارزش نداشتن ناراحتی، نزدیک بودن مرگ، احتمال مرگ عزیزان، حس کردن مرگ، نابود شدن پایداری، کوتاهی عمر و پیش بینی ناپذیری زندگی، مفاهیمی هستند که نوعی آگاهی از مرگ در افراد ایجاد کرده و آسیب پذیری و گذرا بودن زندگی را بیش از پیش برای آنها آگاهانه ساخته است. پرستو می‌گوید:

«فهمیدم زندگی اون قدر کوتاه که اصلاً ارزش ناراحتی و غصه خوردن و نداره».

بنابر اظهارات مشارکت کنندگان مواجهه شدن با پاندمی باعث شد تا دیدگاه آنان به زندگی تغییر کرده و به کوتاهی عمر و زندگی در لحظه یقین پیدا کنند. ناصر می‌گوید:

«من دیگه فقط و فقط به خودم قول دادم تو لحظه زندگی کنم فقط لحظه».

بحران کرونا سبب خروج از حاشیه امن و در نتیجه تدبیر کنشگران در شیوه زندگی و اتخاذ راهبردهای جدید برای ادامه آن شده است.

الناز (۲۷ ساله، کارشناسی ارشد و مجرد):

«من خیلی به گذشته م فکر می‌کردم غصه می‌خوردم بابت اشتباهاتم همش به فکر

۱۹۲ فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۴۰۰

آینده بودم انگار کلاً حال و فراموش کرده بودم ولی کرونا دوباره بهم یادآوری کرد  
زندگی چقدر کوتاهه هر لحظه ممکنه نباشی دیگه یا عزیزات نباشن و باید در لحظه و  
حال زندگی کنی».

با توجه به گفته‌های مشارکت کنندگان بحران کرونا احساس فقدان را برای  
کنشگران عینی کرده است و باعث انجام ارزیابی جدیدی از زندگی توسط آنان شده  
است و نتیجه آن زندگی در حال می‌باشد گویی بحران کرونا چشمان بسته کنشگران  
اجتماعی را در برابر مخاطرات جهان گشوده است.

فهیمه (۴۲ ساله، دیپلم و متأهل):

«تمام اون امنیتی که احساس می‌کردم از بین رفت یه جوری انگار اون ثبات‌های  
ذهنیم بهم ریخت فهمیدم زندگی اینقدر که برآش حرص و جوش می‌خوریم ارزش  
نداره کسی از یه ثانیه بعد خودش خبر نداره و ما همش در حال نالیدن و حرص  
خوردنیم و تازه یادم افتاد عمر خیلی کوتاهه».

انسان امروزی با پیشرفت‌های فناوری، تصویری کاذب از آسیب ناپذیری و  
جاودانگی را در سر می‌پروراند. اما کرونا این توهم را به هم ریخت و خواب  
جاودانگی و آسیب ناپذیری بشر مدرن را برآشفت. در جامعه مدرن مخاطرات ناشناخته  
وجود دارند، کنشگران نیز در مواجهه با این بحران دریافتند مخاطراتی ناشناخته در  
پیش روی جهان زندگی آنان وجود دارد که ممکن است تحت کنترل بشر و حتی علم  
و دانش آن‌ها نباشد و بحران‌ها و پیش آمدهای پیش بینی ناپذیری در اطراف زیست  
آنان وجود دارد که هر لحظه ممکن است با آن مواجه شوند.

## نتیجه‌گیری

با مرور، ترکیب و پالایش مقوله‌های اصلی، می‌توان "آگاهی وجودی" را به عنوان  
مقوله نهایی و مفهوم یکپارچه‌کننده مقوله‌های برساخته این پژوهش در نظر گرفت.  
بدین معنی که قرارگرفتن در معرض پیامدهای ناشی از ویروس کرونا، یافتن فرصتی

برای تردید و تأمل در باورها و روال‌های روزمره، عادات و پیش فرض‌ها، موجب ارتقای آگاهی وجودی مشارکت‌کنندگان شده است. تأمل در مورد وجود خودمان و اطرافیانمان، تلاش برای مراقبت بیشتر از این وجود و تلاش برای اصلاح خطاها، ابعاد این آگاهی را شکل می‌دهد. انسان بعد از کرونا، آگاهی بیشتری نسبت به خود، دیگران و جهان اطرافش دارد. بحران کرونا با قرار دادن کنشگران اجتماعی در شرایط متفاوتی از زندگی فرصتی جهت مرور و ارزیابی و در واقع بازننگری آنچه تا کنون بر آنها گذشته است را در اختیار دارند. تعلیق ناشی از کرونا فرصتی شد تا بدیهی‌ترین عادات، افکار و اعمال را مورد بازبینی قرار دهیم.

افزایش اطلاعات سلامت و تحریک آگاهی همجواری بیش از پیش مرگ و زندگی، موجب شده سلامت خود و عزیزانمان به مهم‌ترین دغدغه این روزها تبدیل شود. در سطح جامعه نیز سلامت به شکل برجسته‌تری به مرکز توجه آمده و رسانه‌ها و سیاستمداران و پزشکان، مرتب از سلامت و شیوه‌های مراقبت سخن می‌گویند. از این روست که سلامت به عنصری برتر در گفتگوها و کنش‌های فردی و ارتباطی این روزها تبدیل شده است. در واقع سلامت به مرکز زندگی اجتماعی آمده است. مرکزیت سلامت می‌تواند پیامدهای مهمی را در سطح جامعه شناختی داشته باشد. از یک سو می‌تواند با حساس‌سازی و ارتقای دانش بهداشتی مردم، موجب کاهش بیماریها شود. از سوی دیگر گفتمان سلامت را بر جامعه غالب کند و جامعه معاصر را بیش از پیش پزشکی‌گرا می‌کند و گفتمان پزشکی و کنترل و نظارت همراه با آن را بیش از پیش در سطح نظام اجتماعی گسترش می‌دهد. جامعه معاصر به اندازه کافی پزشکی هست، اما در این روزها پزشکی‌گرا تر شده است. این شرایط در دوره‌های شیوع ویروس‌ها و پاندمی‌های دیگر نیز مشاهده شده است. از جمله در شیوه آنفلوآنزای خوکی (NIH1) نیز در بسیاری از کشورها هراس ناشی از بیماری موجب چنین شرایطی شده بوده است.

نگرانی و هراسی که در دوره‌های پاندمی ایجاد می‌کند، نوعی تناقض در نحوه عملکرد را آشکار می‌کند. از یک طرف مردم باید فاصله‌ها و نکات بهداشتی را رعایت کنند و به اندازه کافی نگران باشند، از طرف دیگر نباید این نگرانی موجب دامن زدن به هراس شود. همین شرایط است که برخی محققین (دیویس، ۱۳۹۹) از مفاهیمی همچون اندازه درست در اطلاع رسانی و ایجاد هشیاری در مواجهه با پاندمی سخن گفته‌اند. رویکرد "هشیار باش اما نترس" در دوره‌های پاندمی از مهم‌ترین توصیه‌های برای مواجهه با چنین شرایطی است.

یکی از مهم‌ترین امیدهای کنشگران اجتماعی در شرایط فعلی، اعتماد به جامعه علمی و پزشکی در جهت یافتن درمان کرونا است. شرایط پیش آمده اسباب قدرشناسی از علم را فراهم کرده و کنشگران اجتماعی توانستند درک حداقلی از نیاز جامعه انسانی به علم و پیشرفت علمی در جهت ادامه زیست بشر را به دست آورند. همان گونه که گیدنز معتقد است یکی از ویژگی‌های جامعه مدرن وجود مخاطرات ناشناخته است و بحران کرونا به جهان ثابت کرد در مواجهه با بحران‌ها و مخاطرات ناشناخته تا چه اندازه به پیشرفت و ارتقاء علم نیازمند هستند.

یکی از راهبردهایی که در جهت کاهش پیامدها و آسیب‌ها اتخاذ شده است، تکیه بر فضای مجازی و اعتماد به قابلیت فناوری و پیشرفت تکنولوژی می‌باشد. استفاده از انواع نرم افزارها و شبکه‌ها در جهت برگزاری جلسات سازمانی، برنامه‌های آموزشی و دیدارهای تصویری و ادامه تعاملات انسانی و اجتماعی با استفاده از فضای مجازی امکان پذیر شده است. همانطور که دیویس و لوهم در مورد پاندمی سال ۲۰۰۹ می‌گویند، بسیاری از تجربه‌های پاندمی، وابستگی زیادی به تلویزیون، رسانه‌ها و اینترنت دارد (دیویس و لوهم، ۱۳۹۹: ۳۷۷). فعالیت‌های رسانه‌ها از این جهت دارای اهمیت است که موقعیت‌ها و ابزارهای لازم را برای تأمل در مورد ذات پاندمی و تنوع آن در اختیار مردم قرار می‌دهند (همان).



بازاندیشی در سطوح خرد و در رابطه با عواطف و احساسات انسانی نیز صورت می‌گیرد، کشف مقوله بازیابی تعاملات شخصی به همین معنی می‌باشد. بحران کرونا نه تنها باعث بازاندیشی در حوزه‌های سلامتی و علم و فناوری شد بلکه باعث شد تا کنشگران اجتماعی روابط خود با خانواده و اطرافیان را مورد ارزیابی و تجدید نظر قرار دهند و با پی بردن به کوتاهی عمر و بی ارزش بودن زندگی، در جهت رفتارهای ناخوشایند و بهانه جویی‌ها و بی توجهی‌های مداوم، سعی در بهبود کیفیت روابط خود کرده و به ابراز عشق و علاقه، تشکر از بودن عزیزانشان و سپری کردن زمان بیشتر در کنار عزیزانشان در جهت کسب لذت بیشتر روی آورند. در نتیجه بحران حاضر، عواطف و کنش‌های عادی کنشگران اجتماعی را نیز مورد بازاندیشی قرار داده و سبب اتخاذ راهبردهای جدید نزد آنان شده است.

کرونا باعث بازاندیشی در یکی از فضاها زندگی کنشگران؛ یعنی خانه شده است. خانه جایی است که کم‌تر کنشگری در مورد آن به تفکر و تأمل می‌پردازد. شرایط فعلی سبب تغییر نگرش به معنا و مفهوم خانه شده است. برای برخی خانه تنها خوابگاهی برای شب را به صبح رساندن بود و حال کرونا معنای واقعی خانه را به کنشگران اجتماعی یادآور شده است، خانه امن‌ترین پناهگاه در شرایط پاندمی است. شیوع گسترده کرونا، مرگ و میرهای ناشی از آن و همه‌گیری آن، کنشگران اجتماعی را از حاشیه امن و تصورات مطمئن خود خارج و با ناامنی وجودی رو به رو کرد. یکی از پیامدهای این احساس ناامنی، کنار هم آوردن افراد در خانواده‌ها شد. چنان‌که تجربه پاندمی‌های پیشین نیز نشان داده است، تهدید پاندمی چون امکان تأثیر بر همه دارد، مردمی که با تهدید مشترک مواجه‌اند را دور هم جمع می‌کند (دیویس و لوهم، ۱۳۹۹: ۶۹).

کوتاهی عمر، اتفاقات ناخوشایند در لحظه و عدم پیش بینی آینده باعث شد تا افکار، اندیشه‌ها و ذهنیات کنشگران اجتماعی آشفته و در هم و برهم شده و تمرکز خود را بر زندگی در حال، قرار دهند. بحران کرونا باعث شد تا کنشگران اجتماعی زندگی نامه خود را از نو نوشته و اهداف، برنامه‌ها و تصمیمات جدیدی را در زندگی

خود جایگزین کنند. زندگی نامه‌ای که در آن خانه به امن‌ترین مکان تبدیل شده است و فرد خود و تعاملات شخصی خویش را بازیابی کرده و نگرش متفاوتی را تجربه می‌کند. زندگی در حال و در لحظه، تمرکز بر سلامت، اعتماد به علم، بازیابی تعاملات شخصی و تعلق خاطر به خانه و نوعی ناامنی وجودی بر آن سلطه پیدا کرده است.

با قرار گرفتن در شرایط پیش بینی ناپذیر پاندمی، سطحی از آگاهی در کنشگران اجتماعی شکل گرفته است. در واقع ترس از مبتلا شدن، از دست دادن عزیزان، زمان پایان بحران و چگونگی مواجهه با آن باعث شده است تا کنشگران اجتماعی در جهت مصون ماندن از آن و در جهت یافتن فرصت برای ادامه زندگی به طور پیوسته اخبار را پیگیری کرده و با کسب اطلاعات جدید آگاهی خود را از شرایط کنونی و چگونگی ادامه افزایش دهند. روایت‌های خبری پیرامون پاندمی می‌توانند باعث تحول شناخت از خویش‌شن شوند. داستان‌های خبری پیرامون پاندمی سال ۲۰۰۹ زندگی را با تهدیدی جهانی پیوند داد و این لحظه شباهت زیادی با لحظه کشف و تحول هویت دارد (دیویس و لوه‌م، ۱۳۹۹: ۷۰). رساندن پیام پاندمی کار دشواری است، چرا که برخی را شدیداً مبتلا و درگیر کرده و برخی دیگر هیچ‌گونه اثری نگرفته‌اند. ارتباطات پاندمی همه جمعیت را مخاطب قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که مراقب باشند، در عین حال از هراس بپرهیزند و نترسند. این پیام دوگانه گاهی گم می‌شود.

در شرایط فعلی جامعه در حال بازاندیشی در سطوح فردی و جمعی است. این بازاندیشی محدود به افراد نمی‌شود و نهادها و سازمانها نیز در حال بازاندیشی و اصلاح بسیاری از رویه‌ها هستند. نهادهای درگیر در بحران کرونا، به کاستی‌ها و قوت‌های خود پی بردند و در مواردی نیز اقداماتی اصلاحی بکار بردند. اکنون فرصت مناسبی برای یک بازاندیشی اجتماعی در برنامه ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های اجتماعی است. در این مطالعه بازاندیشی در سطح خرد و فردی و ارتباطی مد نظر ما بود. می‌توان مطالعه‌ای طراحی کرد که بازاندیشی نهادها و ساختارها مورد بررسی قرار گیرد.

## منابع

- افراسیابی، حسین و خرم پور، یاسین. (۱۳۹۴)، "مطالعه بازانديشی اجتماعی در میان جوانان شهر یزد"، *جامعه شناسی کاربردی*، شماره ۵۹: ۲۳-۳۸.
- آقاجانی، زهرا؛ جهانگیری، جهانگیر و لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۹۶)، "فرایند برساخت هویت زنان در جریان طلاق: بازانديشی در تقدس خانواده و قبح طلاق (مطالعه موردی: دانشجویان زن رشته‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران)"، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، سال یازدهم، شماره ۳: ۱۶۶-۱۲۹.
- بک، اولریش. (۱۳۸۸)، *جامعه در مخاطره جهانی*، ترجمه: محمدرضا مهدی‌زاده، تهران: انتشارات کویر.
- جلابی پور، حمیدرضا و گرامیان نیک، محمد. (۱۳۹۰)، "نگاهی به مدرنیته در ایران از دریچه روابط شخصی؛ ارزیابی مفهوم رابطه ناب گیدنز"، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال هشتم، شماره ۱: ۵۳-۱۹.
- حسینی، سیده مریم؛ حقیقتیان، منصور و جهانبخش، اسماعیل. (۱۳۹۸)، "رابطه چندگانه شدن زیست جهان‌های اجتماعی با بازانديشی هویت فرهنگی زنان و دختران"، *فصلنامه زن و جامعه*، شماره ۳۸: ۲۱۶-۱۹۵.
- دیویس، مارک و لوهم، دوینا. (۱۳۹۹)، *پاندمی، مردم و روایت*، ترجمه: اسماعیل یزدان پور، تهران: موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- سهراب زاده، مهران؛ شعاع، صدیقه؛ نیازی، محسن و موحد مجد، مجید. (۱۳۹۸)، "بازانديشی نقش‌های جنسیتی زنانه و تعیین‌کننده‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر شیراز)"، *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، شماره ۴۹: ۸۷-۱۱۱.
- سیدمن، استیون. (۱۳۸۶)، *کشاکش آراء در جامعه شناسی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کریمی منجرمویی، یزدان و فرهمند، مهناز. (۱۳۹۶)، "بررسی رابطه بین فناوری‌های نوین ارتباطی و بازانديشی هویت دینی جوانان شهر تهران"، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، سال دوازدهم، شماره ۱: ۸۰-۵۹.
- کلنر، هانسفرید؛ برگر، پیتر و برگر، بریجیت. (۱۳۸۱)، *ذهن بی‌خانمان (نوسازی و آگاهی)*، ترجمه: محسن ساوجی، تهران: نشر نی.

– کیانی، مزده و نجفی، سیامک. (۱۳۹۷). "اعتماد اجتماعی و هویت اجتماعی؛ بازاندیشی در هویت اجتماعی زنان تحصیلکرده مورد مطالعه دانشگاه تبریز"، *فصلنامه زن و جامعه*، سال نهم، شماره ۲: ۲۹۴-۲۷۵.

– گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.  
– گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). *تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه: ناصر توفیق‌یان، تهران: نشر نی.

- Anderson R. M., Heesterbeek H., Klinkenberg D., Déirdre Hollingsworth T. (2020). How will countrybased mitigation measures influence the course of the COVID-19 epidemic?, *The Lancet*. DOI: [https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(20\)30567-5](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(20)30567-5).
- Armstrong M. (2020). COVID-19 Cases per Million Inhabitants: a Comparison, *Statista*, <https://www.statista.com/chart/21176/covid-19-infection-density-in-countries-most-totalcases/>
- Chinese Center for Disease Control and Prevention (2020). The Epidemiological Characteristics of an Outbreak of 2019 Novel Coronavirus Diseases (COVID-19). <http://weekly.chinacdc.cn/en/article/id/e53946e2-c6c4-41e9-9a9bfea8db1a8f51>
- Crossley, N. (2005). "Mapping Reflexive Body Technique: on Body Modification and Maintenance", *Body & Society*, 11(1), 1-35.
- Dahly D., Gates S. & Morris T. (2020). "Statistical review of Hydroxychloroquine and azithromycin as a treatment of COVID-19: results of an open-label non-randomized clinical trial", DOI:10.5281/zenodo.3724167.
- Dong E., Du H. & Gardner L. (2020). "An interactive web-based dashboard to track COVID-19 in real time", *The Lancet*, DOI: [https://doi.org/10.1016/S1473-3099\(20\)30120-1](https://doi.org/10.1016/S1473-3099(20)30120-1)
- Kahlke, R. M. (2014). "Generic Qualitative approaches: pitfalls and benefits of methodological mixology", *International Journal of Qualitative Methods*, 13, 37-52.
- Longman, L. (2003). "Culture, Identity and Hegemony: The Body in a Global Age", *Current Sociology*, 51(3-4), 223-247.
- Merriam, S. B. (2009). *Qualitative research: A guide to design and implementation*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.

- McKibbin W.J., Roshen F. (2020). "The Global Macroeconomic Impacts of COVID-19: Seven Scenario"s, CAMA Working Paper No. 19/2020, 45.
- Percy, W. H., Kostere, K., & Kostere, S. (2015). "Generic Qualitative Research in Psychology", *The Qualitative Report*, 20(2), 76-85.
- Sun N., Wei L., Shi S., Jiao D., Song R., Ma L., Wang H., Wang C., Wang Z., You Y., Liu S. & Wang H. (2020). "A qualitative study on the psychological experience of caregivers of COVID-19 patients", *American Journal of Infection Control*, 48, 592-598.
- Wetter, Erik, Rosengren, Sara, & Törn, Fredrik. (2020). "Private Sector Data for Understanding Public Behaviors in Crisis: The Case of COVID-19 in Swede", *SSE Working Paper Series in Business Administration*, Stockholm School of Economics.
- Will, C. (2020). "And Breathe...? The Sociology of health and illness in Covid19 time", *Sociology of Health & Illness*, 42(5), 967-971.
- Zhu N., Zhang D., Wang W., Li X., Yang B., Song J., Zhao X., Huang B., Shi W., Lu R., Niu P., Zhan F., Ma X., Wang D., Xu W., Wu G., Gao G.F., Tan W. (2020). "China Novel Coronavirus Investigating and Research Team, A Novel Coronavirus from Patients with Pneumonia in China", *New England Journal of Medicine*, 382(8), 727-733.